

موانع استجاب دعا

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

یکی از برترین نعمت‌های الهی که خداوند به انسان ارزانی داشته، این است که به او اجازه داده تا پروردگار خویش را در هر زمان و مکانی بخواند؛ چنان‌که امام چهارم خطاب به حق تعالی عرض می‌کند: «وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ أَلَسِنَتِنَا وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ»^۱ از [جمله] بزرگ‌ترین نعمت‌های تو بر ما، جاری شدن یاد تو بر زبان ما و اجازه‌دادن تو به ما برای دعا به درگاه توست.» از سوی دیگر، خداوند متعال نعمت اجابت را به دعاگویان آستان خویش وعده داده و آن را ضمانت نموده که در جای خود، نعمتی بس بزرگ به شمار می‌رود؛ «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۲ و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا [دعای] شما را بپذیرم.» برای بهره‌مندی از این دو نعمت والای خداوندی، آگاهی نسبت به شرایط و موانع اجابت دعا،

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۵۱.

۲. غافر، آیه ۶۰؛ ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۷، ص ۳۴۳.

بسیار ضروری و راهگشا می‌نماید. در این نوشتار، به تبیین چرایی به اجابت نرسیدن دعا می‌پردازیم.

موانع پذیرفته‌شدن دعا

دعا، عبادتی است که محبوب و خواست خداست و اجابت آن نیز وعده حتمی اوست: «أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»^۱ خداوند قبول دعا را ضمانت کرده و البته وعده الهی نیز تخلف‌ناپذیر است؛ با این همه، پذیرفته‌شدن دعا منوط به رفع موانع، رعایت آداب و شرایط خاصی است که بدون آن، نباید انتظار پذیرش دعا را داشت. امام صادق علیه السلام فرمود: «الدُّعَاءُ كَهْفُ الْإِجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ الْمَطَرِ»^۲ دعا، مخزن و گنجینه اجابت است؛ چنان‌که ابر، مخزن باران است. آیه ذیل نیز به دعا و اجابت آن اشاره دارد:

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۳ پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا [دعای] شما را بپذیرم. کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به‌زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند. «این فراز آیه که فرموده: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي»، بیانگر خواست الهی مبنی بر دعاکردن آدمی است و قسمت دیگر که می‌فرماید: «أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، به اجابت آن اشاره می‌نماید. امام علی علیه السلام فرمود: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُفْتَحَ بَابَ الدُّعَاءِ وَيُعْلَقَ عَلَيْهِ بَابُ الْإِجَابَةِ»^۴ ممکن نیست که خداوند در دعا را بگشاید، اما در اجابت را ببندد.

اینک در اینجا این سؤال پیش می‌آید که پس، چرا برخی از دعاها مستجاب نمی‌شوند؟ بدیهی است که عدم اجابت دعا، ناشی از موانعی است که باید شناخته شوند. منظور از موانع، آن دسته از افعال و اعمالی است که باعث می‌شود پذیرش دعا به تأخیر بیفتد و یا اصلاً اجابت نشود. به‌طورکلی، موانع قبول‌شدن دعا عبارت‌اند از:

۱. عدم معرفت به خدا

پیروان ادیان الهی، هرکدام خداوند را می‌شناسند؛ اما این شناخت، متفاوت می‌باشد. حقیقت

۱. بقره، آیه ۱۸۶: «أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» دعاکننده را، هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم.؛ ر.ک: سید

محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۳۱.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۷۱.

۳. غافر، آیه ۶۰.

۴. ابن‌فهد حلّی، عدة الداعی، ص ۲۳.

این است که جز اولیای خدا، نسبت به خداوند معرفت عمیق ندارند. نکته قابل توجه این است که مراتب شناخت خدا، در اجابت و عدم اجابت دعا نقش اساسی دارد. اولیای خدا به دلیل شناخت درست و ژرف به پروردگار خویش، دعاهایشان مستجاب می‌شود؛ اما دیگران به دلیل ضعف شناخت الهی، دعایشان در بند موانعی چند گرفتار می‌آید و مستجاب نمی‌گردد. رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «وَلَوْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ لَزَالَتِ الْجِبَالُ بِدُعَائِكُمْ»^۱ اگر معرفت شما به خداوند کامل باشد، با دعای شما کوه‌ها از بین می‌روند.» در روایتی، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده: عده‌ای از نزدیکان و اقوام حضرت، علت مستجاب نشدن دعاها را پرسیدند. حضرت فرمود: «لَا تَكُمُ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ»^۲ علت اینکه دعاها به اجابت نمی‌رسد، این است که شما کسی را می‌خوانید که نسبت به او معرفت ندارید.» البته معرفتی که اثر آن موجب رعایت حقوق الهی باشد مستجاب می‌شود

بر این اساس، دعا و اجابت آن، مستلزم شناخت خداوند و شناخت نیازمندی به اوست. آیا دیده‌اید کسی از فرد ناشناسی درخواست مهمی داشته باشد؟ سیدبن طاووس در داستانی آورده است: عده‌ای مسافر کشتی بودند که دچار طوفان شده، جانشان به خطر می‌افتد و از نجات خود ناتوان می‌شوند. شخصی هم‌سفر آنان بود که به دین‌داری و قوت‌یقین او آگاه و مطمئن بودند. از او خواهش کردند که برای نجاتشان دعا کند. او گفت: من با خدا در حوزه قدرتش معارضه نمی‌کنم. اصرار کردند که وقت نیاز است و باید با دعا و شفاعت به داد ما برسی؛ وگرنه دین و جانمان تباه خواهد شد. آن مرد نگاهی به امواج خروشان دریا افکند و گفت: «اللَّهُمَّ قَدْ أَزَيْتَنَا قُدْرَتَكَ فَأَرِنَا عَفْوَكْ؛ پروردگارا! قدرتت را نشانمان دادی؛ بخشایشت را هم به ما بنمای.» دریا فوری آرام شد. یکی از همراهان پرسید: چگونه به این مقام رسیده‌ای که خدا دعایت را فوراً مستجاب کرد؟ گفت: ما برای رضای خدا از خواسته‌های خود گذشتیم. پاداشش این است که هر وقت حاجتی به خدای بزرگ عرضه بداریم، به جهت خواست ما، از خواسته خود صرف‌نظر می‌کند.^۳

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۱.

۲. شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۸۹.

۳. سیدبن طاووس، الأمان من أخطار الأسفار، ص ۱۱۶.

۲. امیدبستن به غیر خدا

یکی از اصلی‌ترین مقدمات اجابت دعا، انقطاع از غیر خداست. انقطاع، یعنی قطع شدن و بریدن از همه عوامل مادی و اسباب ظاهری و تنها به امید خدا بودن. در دعاهایی که از معصومان علیهم‌السلام به ما رسیده، آدمی از امیدبستن به غیر خدا نهی شده است. اگر کسی واقعاً به این درجه برسد که هیچ‌کس به غیر از خدا نمی‌تواند حاجت او را برآورده سازد، هرگز به در خانه کسی جز او نمی‌رود. از این رو، هنگامی که انسان در مورد نیازی از نیازهای خود، مُضطر شود و پناهگاهی جز خداوند متعال نبیند، دعای او مستجاب می‌گردد.

علامه طباطبائی رحمته‌الله در تفسیر آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ...»^۱ می‌نویسد: مطابق این آیه، خدا دعای در مانده را - آنگاه که او را بخواند - اجابت می‌کند و حاجت او را برآورده می‌سازد. مقصود از «مُضْطَرَّ»، کسی است که دعا کند، از این رو، دعاکننده با وصف «مُضْطَرَّ» یاد شده است تا به این نکته اشاره شود که دعا هنگامی مستجاب می‌گردد که دعاکننده واقعاً خواهان چیزی باشد که آن را درخواست می‌کند و تا انسان راه‌ها را بر خود بسته نبیند، دعای واقعی از او صادر نمی‌شود. سپس، خداوند با قید «إِذَا دَعَا» شرط دیگری برای مستجاب شدن دعا بیان نموده است و آن اینکه دعاکننده تنها از خدا بخواهد و این، هنگامی تحقق می‌یابد که از تمام اسباب و علل ظاهری مأیوس شود و قلبش یکپارچه متوجه خدا گردد؛ اما اگر به اسباب دل ببندد، شرط دوم اجابت دعا را دارا نیست.^۲

۳. اعتقادداشتن به حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام

یکی از عوامل پذیرفته شدن دعا، وسیله‌شناسی است؛ یعنی خداوند اجابت دعا را منوط به وسیله نموده که ما باید آن را بشناسیم و واسطه قرار دهیم؛ مثلاً یکی از آداب شب قدر، قرآن برسرگرفتن و واسطه قراردادن آن است؛ چنان‌که امام باقر علیه‌السلام فرمود: در شب قدر، قرآن را جلوی روی خود بگشایید و بگویید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَكْبَرُ...»^۳ خداوند! از تو می‌خواهم به حق کتابی که نازل شده و به حق آنچه در آن است که نام عظیم و بزرگ تو در آن است...» از آداب دیگر شب قدر، واسطه قراردادن اهل بیت علیهم‌السلام و رسول

۱. نمل، آیه ۶۲؛ ر.ک: فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۲۶۵۸.

۲. ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۵، ص ۳۸۱ - ۳۸۲.

۳. سیدبن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۱۸۶.

خدا سَلَّمَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ همچنان که در بیشتر دعاها، مانند دعای شب قدر و دعای توسل، اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام وسیله اجابت دعا می باشند. این، بدان معناست که اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، فیض الهی و مسیر استجاب دعا به شمار می روند. در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده: مقصود [از وسیله]، ما هستیم.^۲ بنابراین، یکی از عوامل مهم اجابت دعا، اعتقاد به حقایق پیامبر سَلَّمَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است که واسطه های بین خدا و خلق هستند.

ابوحمره ثمالی روایت می کند که به حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَام گفتم:

«ای فرزند رسول خدا سَلَّمَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فدایت شوم! شخصی روز روزه دار و شب به عبادت می گذراند و صدقه می دهد و جز خیر و خوبی از او نمی دانم؛ جز آنکه اقرار به ولایت شما ندارد؟ گوید: امام عَلَيْهِ السَّلَام تبسم کرد و فرمود: ای ثابت! من در برترین مکان های زمین هستم. اگر بنده ای همیشه در سجده در میان رکن و مقام باشد تا پایان عمر که از دنیا برود، ولی ولایت ما را شناسد، این عبادت، سودی به حال او ندارد.»^۳

۴. گناه

یکی از موانع قبولی دعا، گناه است. کسی که رشته عبودیت را قطع کرده و خود را در معرض خشم خدا قرار داده است، چگونه انتظار اجابت دعا دارد. برای اجابت دعا باید پیش از هر چیز، در پاکی قلب و روح کوشید و از گناه توبه کرد و خودسازی نمود. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «مبادا هیچ یک از شما از خدا تقاضایی کند؛ مگر اینکه نخست حمد و ثنای او را به جا آورد و درود بر پیامبر و آل او بفرستد و بعد به گناه خود نزد او اعتراف [و توبه] کند. سپس، دعا نماید.»^۴

اگر انسان توبه نماید و دیگر شرایط دعا را فراهم کند، دعای او مستجاب می شود؛ در غیر این صورت، از رحمت الهی محروم خواهد شد. محمد بن مسلم از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل می کند:

«إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاؤُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيُذِيبُ الْعَبْدَ ذَنْبًا فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلِكِ لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَاحْرَمُهُ إِيَّاهَا فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَاسْتَوْجَبَ الْحِزْمَانَ مِنِّي؛^۵

۱. مانده، آیه ۳۵؛ ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۹۳.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۳۳۴.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۵۰.

۴. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۳.

۵. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۱.

بنده، حاجتش را از خدا می‌خواهد. بنای الهی نیز بر آن است که خواسته‌اش را دیر یا زود به اجابت رساند. آنگاه بنده گرفتار گناهی می‌شود. خدا به فرشته‌ای که مأمور کار اوست، می‌فرماید: خواسته‌اش را به انجام نرسان و او را از دستیابی به خواسته‌اش محروم کن؛ زیرا او خود را در معرض خشم من قرار داده و مستحق دوری از رحمت من گشته است.»

بعضی انسان‌ها سنگ‌دل‌اند و با این حال، توقع دارند که خداوند دعای آنان را مستجاب کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ قَاسٍ وَمَنْ لَمْ يَتَّقِدْمَ فِي الدُّعَاءِ لَمْ يَسْمَعْ مِنْهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ؛^۱ خداوند عزیز و جلیل، دعای برآمده از قلب قسی را مستجاب نمی‌کند و کسی که در حال خوشی اهل دعا نیست، هنگام بلا و گرفتاری دعایش شنیده نخواهد شد.»

داستانی را امام صادق علیه السلام در مورد موانع اجابت نقل نموده که خواندنی است:

«مردی از بنی اسرائیل برای اینکه خدا به او پسری دهد، سه سال دعا می‌کرد. وقتی دید خدای تعالی اجابت نمی‌کند، عرضه داشت: خدایا! آیا من از تو دورم که سخن مرا نمی‌شنوی یا من به تو نزدیکم و تو می‌شنوی؛ ولی اجابت نمی‌کنی؟ کسی در خواب به او گفت: تو سه سال خدا را با زبانی فحاش و دلی گناهکار و قلبی سرکش و نیتی آلوده می‌خواندی! از فحش دست بردار و دلت را پاک و نیتت را درست کن [و آنگاه دعا نما]. او یک سال طبق دستور عمل کرد و خدا به او پسری داد.»^۲

۵. لقمه حرام

از دیگر موانع اجابت دعا، لقمه حرام است. از این‌رو، بایسته است که انسان در پاکی زندگی از اموال غصبی و ظلم به دیگران بکوشد و تغذیه خود را از حرام مبرا سازد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيُطِيبْ مَطْعَمَهُ وَ كَسْبَهُ؛^۳ کسی که دوست دارد دعایش مستجاب گردد، باید غذا و کسب خود را پاک کند.» همچنین، حضرت می‌فرماید: «أَطِيبْ كَسْبَكَ تَسْتَجَابَ تُسْتَجَبْ دَعْوَتُكَ فَإِنَّ الرَّجُلَ يَرْفَعُ اللَّقْمَةَ إِلَى فِيهِ حَرَامًا فَمَا تُسْتَجَابُ لَهُ أَوْ يَعْينَ يَوْمًا؛^۴ کسب و درآمدت را پاک کن تا دعاهایت مستجاب شود؛ زیرا یک لقمه حرام باعث می‌شود که

۱. ابن‌فهد حلی، عده الداعی، ص ۱۳۹.

۲. همان، ص ۱۳۹.

۳. همان؛ ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۴.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹، ص ۳۵۸.

دعا تا چهل روز مستجاب نشود.»

ابن عباس می گوید: این آیه نزد رسول خدا ﷺ تلاوت شد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا؛^۱ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید.» سعد بن ابی وقاص برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! دعا کن تا خدا دعایم را مستجاب گرداند. رسول خدا ﷺ فرمود: «ای سعد! خوراکی را پاک گردان تا دعایت مستجاب شود.»^۲

رعایت حرام و حلال در زندگی، نقش بسزایی دارد. اگر این مهم رعایت شود، از میزان پرونده در دادگستری‌ها و یا فقیر و نیازمند در جامعه به شدت کاسته خواهد شد. متأسفانه، برخی از مردم کسب و کارشان به حرام، کم فروشی، ربا، ظلم به دیگران و عدم پرداخت وجوهات شرعی یا قانونی آلوده است؛ با این حال، توقع دارند دعاهایشان به سرمنزل اجابت برسد.

نتیجه اینکه تغذیه حلال، نه تنها در دعا مؤثر است، بلکه در تمام عبادت‌های انسان نیز تأثیر دارد. غذای حرام، نه فقط مانع اجابت دعاست، بلکه نشاط و روحانیت عبادت و زیارت را نیز از انسان سلب می کند. خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»^۳ ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید که من به آنچه انجام می دهید، آگاهم.» بدین جهت، پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نسبت به تهیه لقمه حلال حساس بودند. در شرح حال رسول خدا ﷺ آمده است:

«روزی، ام عبدالله ظرف شیری برای افطار رسول خدا ﷺ فرستاد. حضرت ظرف را به وی بازگرداند و به وی پیغام فرستاد که: این شیر را از کجا آورده‌ای؟ ام عبدالله گفت: از گوسفند خویش. سپس، فرمود: این گوسفند را از کجا آورده‌ای؟ ام عبدالله گفت: از مال خود خریده‌ام. فردای آن روز، ام عبدالله نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! به جهت گرمی هوا و درازی روز، ظرف شیری برایتان فرستادم؛ اما شما آن را همراه پیکی بازگردانید! پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بِذَلِكَ أَمَرَتِ الرُّسُلُ أَنْ لَا تَأْكُلَ إِلَّا طَيِّبًا وَلَا تَعْمَلَ إِلَّا صَالِحًا؛^۴ به سبب همین، پیامبران فرمان یافته‌اند که جز حلال نخورند و جز کار نیک انجام ندهند.»

۱. بقره، آیه ۱۶۸.

۲. طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۶، ص ۳۱۰.

۳. مؤمنون، آیه ۵۱.

۴. اسماعیل حقی، روح البیان، ج ۶، ص ۸۸.

علم و حکمت زاید از لقمه حلال	عشق و رقت آید از لقمه حلال
چون ز لقمه تو حسد بینی و دام	جهل و غفلت زاید آن را دان حرام
هیچ گندم کاری و جو بر دهد	دیده اسبی که کره خر دهد
لقمه تخم است و برش اندیش‌ها	لقمه بحر و گوهرش اندیش‌ها
زاید از لقمه حلال اندر دهان	میل خدمت عزم رفتن آن جهان ^۱

۶. ستم به دیگران

یکی دیگر از موانع مهمّ اجابت دعا، ستم نمودن به مظلومان است. اگر آدمی در حق کسی ستمی روا دارد و حقوق او را پایمال نماید، هرگاه به درگاه الهی دست به دعا بردارد، خداوند جواب او را نخواهد داد و بر او خشم خواهد گرفت؛ زیرا ستم به دیگران، رشته محبت الهی را پاره می‌کند؛ چنان‌که خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۲ همانا خداوند متجاوزان (ستمکاران) را دوست نمی‌دارد.»

کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا با اینکه خداوند می‌گوید: «أَدْعُونِي أُسْتَجِبْ لَكُمْ»، اما بیچاره و مضطری را می‌بینیم که دعا می‌کند و جواب نمی‌گیرد؟ امام فرمود: «وای بر تو (سخن نسنجیده مگو)! هرکه دعا کند، اجابت می‌شود. البته ظالم تا به درگاه خدا توبه نکند، دعایش مردود است؛ اما کسی که لیاقت و حق دعا دارد، هر وقت دعا کند، مستجاب می‌شود.»^۳

امام علی علیه السلام فرمود: «خداوند بلندمرتبه به عیسی بن مریم علیه السلام وحی نمود که به اشراف بنی اسرائیل بگو: بدانید که من دعای کسی از شما را که حق یکی از آفریدگان من بر گردن اوست، مستجاب نمی‌کنم.»^۴ همچنین، امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فَلْيُطَيِّبْ كَسْبَهُ وَ لِيُخْرِجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُرْفَعُ إِلَيْهِ دُعَاءُ عَبْدٍ وَ فِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ»^۵ هرکس می‌خواهد دعایش مستجاب شود، کسبش را حلال کند و

۱. مولوی.

۲. بقره، آیه ۱۹۰.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۴۳.

۴. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۳۸.

۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۲۱.

حق الناس را از سرمایه اش جدا کند. به درستی کسی که حق الناس به عهده اش باشد، دعایش به سوی خدا بالا نمی رود.»

نقل شده است که بنی اسرائیل به مدت هفت سال دچار قحطی شدند و خداوند متعال به پیامبران وحی کرد: «اگر پیاده به سوی من آید، چندان که زانواتان بساید و چندان دست به آسمان برکشید که دست‌هایتان به کرانه‌های آسمان رسد و آن اندازه دعا کنید که زبان‌هایتان از دعا کردن خسته شود، دعای هیچ‌یک از شما را نمی‌پذیرم و به هیچ‌گریه‌کننده‌ای از شما رحم نخواهم کرد تا آنگاه که حقوق مردم را به صاحبان آنها باز گردانید.» آنان چنین کردند و همان روز، باران آمد.^۱

۷. اشتیاق خدا به شنیدن صدای بنده

از جمله عواملی که مانع پذیرفته شدن دعا شده یا آن را به تأخیر می‌اندازد، اشتیاق حق تعالی به شنیدن صدای بنده خویش است؛ یعنی خداوند خواسته دعاکننده را اجابت نمی‌کند تا بنده اش بیشتر با او ارتباط داشته باشد. در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده که از دلایل تأخیر اجابت دعا، این است که خدای متعال دوست دارد که بنده اش همیشه با او راز و نیاز کند و یکی از مصادیق مهم این ارتباط پیوسته، دعاست. خدای متعال به عیسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «يَا عِيسَى كَمْ أُطِيلُ النَّظْرَ وَأَحْسِنُ الطَّلَبَ وَالْقَوْمُ فِي غَفْلَةٍ لَا يَرْجِعُونَ»^۲ من چقدر نظرم به بندگان خوب است و بهتر درخواست آنها را اجابت می‌کنم؛ ولی قوم بنی اسرائیل در غفلت هستند و به سوی من بر نمی‌گردند.»

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد ابراهیم خلیل الرحمن عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که ایشان به دنبال چراگاهی برای گوسفندان خود بود که صدایی شنید. نگاه کرد، مردی را دید که به نماز ایستاده است. پرسید: «ای بنده خدا! برای چه کسی نماز می‌خوانی؟» گفت: برای خدای آسمان... ابراهیم گفت: «پس، از کجا غذا می‌خوری؟» گفت: از این درخت؛ در تابستان، میوه می‌چینم و در زمستان، آنها را می‌خورم... ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به او گفت: «بزرگ‌ترین روزها کدام است؟» عابد گفت: روز جزا؛ روزی که مردم جزای رفتارهایشان نسبت به یکدیگر را می‌بینند. ابراهیم گفت: «پس، آیا حضری

۱. غزالی طوسی، إحياء علوم الدين، ج ۱، ص ۳۰۷.

۲. عاملی، الجواهر السنیه، ترجمه: زين العابدين كاظم خلخالی، ص ۲۰۰.

هر دو، دست به سوی آسمان برداریم و تو دعا کنی که خداوند بلندمرتبه ما را از گزند آن روز در امان بدارد؟» عابد گفت: دعای من به چه کار تو می‌آید؟ به خدا سوگند که سی سال است، دعایی می‌کنم و جوابی نشنیده‌ام. ابراهیم علیه السلام گفت: «آیا تو را خبر ندهم که چرا دعایت پاسخ داده نشده است؟» عابد گفت: چرا [دعایم مستجاب نمی‌شود]؟

ابراهیم علیه السلام گفت: «خداوند بلندمرتبه هرگاه بنده‌ای را دوست بدارد، دعایش را پاسخ نمی‌دهد تا با او مناجات کند و از او درخواست و تقاضا نماید و هرگاه بنده‌ای را دشمن بدارد، زود دعایش را برآورده می‌کند و یا نومی‌دی از آن را در دلش می‌افکند.» سپس، به عابد گفت: «دعایت چه بوده است؟» گفت: روزی، پسری که زلف داشت، با گوسفندانی بر من گذشت. گفتم: ای پسر! این گوسفندان از آن کیستند؟ گفت: از آن ابراهیم خلیل الرحمن. گفتم: بارخدا! اگر در زمین خلیلی [دوستی] داری، او را به من نشان بده. ابراهیم علیه السلام به او گفت: «خدا دعایت را مستجاب کرد. من، ابراهیم خلیل الرحمن هستم.» پس، عابد خوشحال شد و ابراهیم علیه السلام را در آغوش کشید.^۱

۸. مصلحت‌نبودن

اجابت بعضی دعاها، به مصلحت انسان نیست. گاهی انسان خیال می‌کند که سعادت او در قبول شدن خواسته‌ای است که می‌طلبد؛ درحالی‌که خداوند می‌داند که شقاوت و هلاکت او در آن است و خیر و صلاح بنده، در عدم اجابت دعای اوست. این، همان مطلبی است که بسیاری از آن غافل‌اند و معمولاً در صورت عدم اجابت دعا، می‌گویند چرا خداوند دعای ما را مستجاب نمی‌کند. بنابراین، نباید از اجابت نشدن برخی دعاها ایمان نگران نباشیم؛ زیرا امکان دارد دعای مورد نظر، از همین قبیل باشد؛ مثلاً گاهی جوانی به خواستگاری دختری می‌رود و جواب منفی می‌شنود؛ حتی با دعا‌های فراوان نیز ازدواج او سامان نمی‌گیرد. به همین جهت، دلشکسته و ناراحت به زندگی ادامه می‌دهد. بعد متوجه می‌شود که خداوند چه لطف بزرگی به او کرده که دعایش را اجابت نکرده است؛ زیرا شناخت کافی نسبت به او نداشته و اگر با او ازدواج می‌کرد، به جدایی می‌انجامید و مصائب بسیاری را متحمل می‌شد؛ چنان‌که داستان عبرت‌آمیز ثعلبه انصاری نمونه روشنی در این باره است. وی بر خواسته‌اش که به مصلحت او نبود، پافشاری کرد و در نهایت، اجابت دعایش، باعث اعتراض او به برخی قوانین الهی شد.^۲

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۷۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۶.

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر آیه ۱۸۶ سوره بقره یادآور می‌شود:

خدای سبحان، به اجابت دعا اهتمام خاصی دارد؛ اما نباید از نظر دور داشت که حق تعالی وعده «أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ» را به قید «إِذَا دَعَانِ» مقید کرده و این مطلب می‌فهماند که دعا باید حقیقی و از روی دل باشد. در نتیجه، دعایی که مستجاب نمی‌شود، یکی از دو چیز را فاقد است:

اول، گاهی امر بر دعاکننده مشتبه شده، مثل کسی که اطلاع ندارد خواسته‌اش نشدنی است، از روی جهل چیزی را درخواست می‌کند و اگر شناخت داشت که خواسته‌اش به صلاح او نیست، هرگز آن را بر زبان جاری نمی‌کرد.

دوم، گاه نیز دعای شخص، دعای واقعی است؛ اما در دعا خدا را نمی‌خواند؛ به این معنا که به زبان، از خدا مسئلت می‌کند؛ ولی در دل، همه امیدش به اسباب عادی یا امور وهمی است.^۱ مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته الله می‌فرمود: استاد ما، مرحوم آقا سید علی قاضی رحمته الله می‌فرمود: برای حاجتی چهل سال بعد از نماز دعا می‌کردم. بعد، معلوم شد که [اجابت آن،] مصلحت نبوده است.^۲

۹. ترک امر به معروف و نهی از منکر

در آموزه‌های دینی، اخلاق فردی با اخلاق اجتماعی گره خورده است؛ یعنی هدایت و سعادت فرد، می‌تواند در هدایت و سعادت جامعه تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، صلاح جامعه نیز در مصلحت فرد اثر می‌گذارد. بنابراین، دعا، عامل مهم در هدایت فرد و اجتماع به شمار می‌رود. از این روست که در روایات سفارش شده که نخست برای دیگران دعا کنید و سپس، برای خود زبان به دعا بگشایید. اگر افراد جامعه امر به معروف و نهی از منکر نکنند، در واقع، مصلحت جامعه را نادیده گرفته‌اند که سبب می‌گردد افراد ظالم و ناهل بر جامعه حاکم شوند و این، بدترین آسیبی است که جامعه را تهدید می‌نماید. در چنین جامعه‌ای، نه دعای فردی اثر دارد و نه دعای گروهی. بر این اساس، اسلام همگان را به امر به معروف و نهی از منکر فراخوانده است^۳ تا

۱. ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۳۱ به بعد.

۲. محمدحسین رخشاد، در محضر حضرت آیت‌الله العظمی بهجت، ج ۱، ص ۱۸۸.

۳. آل عمران، آیه ۱۱۰: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ [چه اینکه] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید.»

زمینه اجابت دعا فراهم گردد؛ در غیر این صورت، چه بسا بلاى الهى نازل مى‌گردد؛ همان‌گونه‌که اقوام گذشته نیز به دلیل عدم توجه به امر به معروف و نهی از منکر، گرفتار بلاى آسمانى شدند؛ با این تفاوت که امروزه این بلاها در قالب ظلم، جنایت جنگی و گروه‌های تکفیری نمود پیدا می‌نماید. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولِيَّ اللَّهُ أَمْرَكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ»^۱ باید امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ وگرنه نابکاران شما، زمام کارهایتان را به دست می‌گیرند و در این صورت، دعاهاى نیکانتان مستجاب نخواهد شد.»

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۵۲.